

تعامل میان دکترین «مسئولیت حمایت» و حقوق بین‌الملل بشردوستانه

منوچهر توسلی نائینی، مسیح آقاداوودی جلقایی

جنایات جنگی و نقض گسترده حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مناطقی همچون رواندا و یوگسلاوی سابق در سالهای منتهی به قرن بیست و یکم میلادی جهانیان را متقاعد به این ایده نمود که صرف وقوع نقض‌های گسترده و شاید مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه زمینه را برای اجرای دکترین «مسئولیت حمایت» باز می‌نماید. در بعد اولیه این دکترین، مسئولیت اولیه حفاظت از غیر نظامیان بر عهده دولت متبوع آنان است اما در جایی که دولت متبوع آنان نتواند یا تمایل نداشته باشد که مسئولیت خویش را در قبال اتباع تحت صلاحیت خویش ایفا نماید این اجتماع بین‌المللی است که ابتکار عمل را در دست خواهد گرفت. تعامل میان این دکترین و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در قالب ارکان دکترین «مسئولیت حمایت» که در گزارش دبیر کل ملل متحد آمده بود نمود پیدا می‌نماید. مسئولیت‌های حمایتی دولت‌ها، حمایت‌های بین‌المللی و ظرفیت سازی، پاسخ قاطع و به موقع از زمره این ارکان می‌باشند. دستاوردهایی همچون جرم‌انگاری موارد نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه، ایجاد منطقه ممنوعه پروازی، حمایت از غیر نظامیان، مسلح نمودن انقلابیون و مداخله نهادهای منطقه ای از جمله ابزارهایی در جهت نیل به هدف والای حفظ حقوق بین‌الملل بشردوستانه از طریق دکترین «مسئولیت حمایت» می‌باشد که در مقاله حاضر بدان پرداخته شده است

کلید واژگان: جنایات جنگی، نقض گسترده، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، دکترین

مسئولیت حمایت

تعامل میان دکترین «مسئولیت حمایت و حقوق بین الملل بشردوستانه

منوچهر توسلی نائینی*

مسیح آقاداودی جلقایی**

مقدمه

دکترین مداخلات بشر دوستانه از سابقه ی زیادی برخوردار است. چنان که گروسیوس^۱ و هم وائل^۲ از این ایده حمایت می کردند. باور این دسته از حقوق دانان بر این بوده که اصولاً هر جنگی برای مقابله با بی عدالتی و تنبیه کسانی که مرتکب چنین بی عدالتی هایی شده اند، یک جنگ مشروع^۳ است و از آن به عنوان جنگ عادلانه نام می بردند^۱. بنابراین، اگرچه مفهوم

* دکتر منوچهر توسلی نائینی استادیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان است

(Tavassoli2000f@yahoo.com).

** مسیح آقاداودی جلقایی دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل مؤسسه آموزش عالی شهید اشرفی اصفهانی است (Masih16419@yahoo.com).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۲۰
فصلنامه مطالعات بین المللی (ISJ)، سال دهم، شماره ۴، بهار ۱۳۹۳، صص ۲۹۵-۲۶۹.

1. Grotius
2. vattel
3. just war

مداخله‌ی بشردوستانه به این شکل در حال حاضر، در آن زمان مطرح نبوده، اما با تکیه بر ایده‌ی جنگ عادلانه و شرایط آن مانند انگیزه‌ی عادلانه، ضروری بودن توسل به زور و استفاده از زور در حد لازم، می‌توان مداخله بشردوستانه^۲ را نیز با پارامترهای آن هماهنگ کرد. به نظر می‌رسد، که مفهوم حاکمیت مطلق از همان زمان تعدیل گشت و به تدریج از قرن نوزدهم به بعد به کارگیری زور با تأکید بر دلایل اخلاقی و سیاسی یادآور سنت جنگ عادلانه بود. به طور کلی با نضج گرفتن مفاهیم بشردوستانه مداخله بر مبنای اهداف بشردوستانه و نه صرفاً سیاسی عملی کاملاً مشروع بوده است. اگرچه ممکن است استثنائی هم در این رویه مشاهده شود و سوء استفاده‌هایی نیز از عنوان مداخله بشردوستانه شده باشد. بر این اساس قرن نوزدهم شاهد استفاده فزاینده کشورهای از عنوان مداخله بشردوستانه برای توجیه کاربرد زور گردید. به عنوان مثال مداخله دسته جمعی انگلیس، فرانسه و روسیه در یونان (۱۸۳۰-۱۸۲۷) با هدف متوقف کردن قتل عام ترک‌ها و سرکوب جمعیت انقلاب یونان؛ مداخله فرانسه در لبنان (۱۸۶۰-۶۱) توسط پنج قدرت بزرگ اروپایی با هدف متوقف کردن قتل عام اقلیت مسیحی به وسیله دروژهای تحت تفوق عثمانی؛ مداخله‌ی اتریش، فرانسه، ایتالیا، پروس و روسیه (۱۸۶۶-۶۸) در جزیره‌ی کرت متعلق به عثمانی، برای حمایت جمعیت سرکوب شده‌ی مسیحی؛ به بهانه‌ی حمایت از اقلیت‌ها در قلمرو دولت عثمانی اشاره می‌شود.

علی‌رغم وجود این سوابق و مشابه آن در نیمه دوم قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم، رویه کشورهای در نیمه اول قرن بیستم دائماً متمایل به مداخله بشردوستانه نبوده است. بروز جنگ‌های بزرگ بین‌المللی در این سال‌ها، به ویژه جنگ جهانی اول که سبب خسارات انسانی و مالی فراوان گردید و تمایل جامعه بین‌الملل به منسوخ یا حداقل محدود کردن جنگ به عنوان ابزار سیاست ملی - که اوج آن را می‌توان در انعقاد پیمان پاریس^۳ و ممنوعیت جنگ به

1. Malanczuk, 1993, 7-

2. Humanitarian Intervention

۳. از قراردادهایی که در عمل اهمیت زیادی نداشته ولی از نظر حقوق بین‌الملل دارای ارزش فراوانی است پیمان پاریس بریان کلوگ می‌باشد. که در ۲۷ اوت ۱۹۲۷ انعقاد یافت. تاریخچه این پیمان چنین بود که اریستید بریان وزیر خارجه فرانسه در آوریل سال ۱۹۲۷ به مناسبت دهمین سال ورود آمریکا به جنگ جهانی اول پیامی برای همکار آمریکایی خود فرانک کلوگ فرستاد و در آن نظر خود را درباره غیرقانونی شناختن جنگ بیان کرد. این فکر از طرف کلوگ مورد استقبال قرار گرفته و اقداماتی در این زمینه به عمل آورد که نتیجه آن انعقاد قراردادی بود که در پاریس بسته شد. و به همین مناسبت آن را گاه پیمان بریان کلوگ و گاه پیمان پاریس نامیده اند. اهمیت پیمان بریان کلوگ در این است که جنگ را به طور کلی تحریم می‌کند و

عنوان ابزاری در رابطه بین‌المللی یافت- موجب شد که رویه سابق کشورها در تمایل فزاینده به استفاده از ایده‌ی مداخله‌ی برای به راه انداختن جنگ ادامه پیدا نکند و موارد استفاده از چنین عنوانی در رابطه بین‌المللی محدود بماند.^۱ اما از طرف دیگر مداخله‌هایی که با این عنوان در قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم صورت گرفت، گرچه غالباً تحت پوشش حمایت از اقلیت‌ها و با هدف بشردوستانه بوده، شک و تردید زیادی وجود دارد، زیرا همان طور که گفته شده غالباً متوجه امپراتوری در حال اضمحلال عثمانی و با هدف حمایت از استقلال خواهی اقلیت‌های غیرمسلمان ساکن در قلمرو آن و با نیتی کاملاً سیاسی بوده است. علاوه بر آن، چنین مداخلاتی در نیمه اول قرن بیستم به جای افزایش، رو به کاهش نهاده و این نشان دهنده‌ی عدم اقبال کشورها به چنین دکترینی بوده است.^۲ از آن جا که سیستم میثاق جامعه ملل، به عنوان ابزار سیاست ملی نتوانست عطش دولت‌های اروپایی و غیراروپایی را در استفاده از آن برای پیشبرد منافع ملی خود فرونشاند و در نهایت، جنگ جهانی دوم را به کام خود فرو برد، واضعان منشور ملل متحد تصمیم گرفتند برخلاف، میثاق، هر نوع توسل به زور^۳ را در روابط بین‌المللی ممنوع نمایند و ضعف پیمان پاریس را نیز که فاقد ضمانت اجرا بود، با ایجاد رکنی قوی در ساختار ملل متحد به نام شورای امنیت جبران کنند. از همین رو ماده (۴) ۲ منشور به صراحت هر نوع توسل به زور یا تهدید به استفاده از آن را علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورها ممنوع دانسته و ماده ۵۱ آن هم تنها استثنای این قاعده عام را دفاع مشروع قرارداده است، آن هم صرفاً تا زمانی که شورای امنیت به عنوان مسئول اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در موضوع دخالت ننموده است. در مقابل منشور، سیستم امنیت دسته جمعی^۴ را بنیان نهاد. که علی‌القاعده می‌بایست در موارد تهدید علیه صلح و یا نقض آن یا تجاوز بنا بر تقسیم شورای امنیت کار افتد و صلح و امنیت بین‌المللی را مجدداً مستقر سازد. با عنایت به

این اولین بار در تاریخ بشر است که حق جنگ که یکی از صور حاکمیت و استقلال تلقی می‌شود از نظر حقوقی لغو گردید. این تحریم جنگ معذک دو استثنا داشت یکی جنگ دسته جمعی پیش‌بینی شده در ماده ۱۶ میثاق جامعه ملل و دیگری دفاع مشروع. نقش بزرگ و اساسی این پیمان فقدان ضمانت اجرا آن بود زیرا مجازات برای دولتی که برخلاف تعهدات این پیمان مرتکب جنگ میشد در نظر گرفته نشده بود و بنابراین تعهدات ناشی از آن بیشتر جنبه اخلاقی را داشت و عملاً در روابط بین‌الملل مؤثر واقع نگردید.

1. Malamczuk , opcit , 1
2. Henkin , 1999, 1
3. use of force
4. collective security

مطالب پیش گفته، واضح است که دکترین مداخله بشردوستانه یا حداقل مداخله یک جانبه و خارج از چهارچوب سیستم امنیت دسته جمعی منشور از نظر واصفان که امور ذاتاً داخلی کشورها را از حیطه اقتدار حقوق بین‌الملل خارج می‌کرد. بنابراین این دیدگاه در میان کشورها و حقوقدانان مطرح شد که تأثیر منشور ملل متحد در جهت نسخ هر گونه حق (احتمالی) کشورها برای انجام اقدامات نظامی یک طرفه علیه کشورهایی بوده که مرتکب تجاوزات شدید از اصول انسان دوستانه می‌شدند.^۱ به نظر می‌رسد که به دنبال حوادث پس از جنگ سرد و به خصوص مداخلات انجام گرفته در سال‌های دهه ۹۰ میلادی به ویژه در یوگسلاوی سابق وروآندا که خارج از سیستم منشور ملل متحد و بدون اخذ مجوز شورای امنیت صورت گرفت این سوال مطرح شد که با توجه به مواد منشور ملل متحد در خصوص عدم توسل به زور آیا می‌بایست به دنبال مکانیسم جدیدی رد عرصه بین‌المللی برای جلوگیری از فجایع خشونت‌بار آینده بود؟ و آیا می‌توان در قالب مکانیسم امنیت دسته‌جمعی پاسخ قاطع و به موقع برای آن پیدا کرد؟ مقاله اخیر در پاسخ به این سؤال سیر تحول دکترین «مسئولیت حمایت» در حقوق بین‌الملل را بررسی خواهد نمود.

۱. پیدایش مفهوم «مسئولیت حمایت» در ادبیات حقوق بین‌الملل معاصر

پس از ناکامی‌های پی در پی در اجرای اصول مداخلات بشردوستانه در عمل که غالباً هم با اغراض و نیت‌های بیشتر سیاسی تا حقوقی توأم بود. دبیرکل وقت سازمان ملل، کوفی عنان، در تکاپوی ایجاد یک انقلاب فکری در زمینه مداخلات بشردوستانه، در سخنرانی سال (۱۹۹۹) در مجمع عمومی و به دنبال آن در گزارش هزاره خود در سال ۲۰۰۰ به مجمع عمومی، چالش بزرگی را در اذهان سران کشورها ایجاد کرد که باید تفکر و طرحی نو برای حفظ حقوق بشر بنیان نهاد.^۲ وی در بخشی از سخنرانی سال ۱۹۹۹ خود در مجمع عمومی در انتقاد به رکورد ایجاد شده در اجرای مداخلات بشردوستانه به لحاظ استناد به اصل حاکمیت کشورها و اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها و همچنین مرگ انسان‌های بسیاری در نتیجه نبود هنجاری بدون مناقشه در سطح بین‌المللی می‌گوید:

«من به قوت و اعتبار و اهمیت این مسائل واقفم، و نیز می‌پذیرم اصول

1. shachter, 1991, 123

۲. سواری و بلوچی، ۱۳۹۰، ۱۸۰

حاکمیت و عدم مداخله، حمایتی در اختیار کشورهای کوچک و ضعیف قرار می‌دهند ولی این سؤال را برای منتقدان مطرح می‌کنم: اگر مداخله بشردوستانه در واقع تهاجم غیرقابل قبولی به حاکمیت تلقی می‌شود در آن صورت چگونه باید در مقابل وقایع رواندا و سوئینیتسا یعنی نقض فاحش حقوق بشر که به تمامی قواعد اخلاقی بشریت مشترک ما صدمه می‌زند، واکنش نشان داد. دخالت بشردوستانه یک موضوع حساس و ملازم با مشکلات سیاسی است و جواب ساده‌ای در بر ندارد. ولی قطعاً هیچ اصل حقوقی، و حتی حاکمیت، نمی‌تواند سپر جنایات علیه بشریت باشد. در مواردی که چنین جنایاتی اتفاق می‌افتد و اقدامات صلح جویانه برای پایان دادن به آن به اتمام رسیده باشد. شورای امنیت وظیفه اخلاقی دارد که از طرف جامعه جهانی اقدام نماید.^۱

این سخنرانی موجب گردید تا کشورکانادا، کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت کشور^۲ را برای هنجاری نو در نحوه مداخلات بشردوستانه، تأسیس نماید. این کمیسیون درست یک سال بعد از تأسیس، در سپتامبر ۲۰۰۱ هسته اصلی نظرات خویش را جمع به مداخلات بشردوستانه را با خلق اصطلاح «مسئولیت حمایت»^۳ و جایگزینی آن به جای اصطلاح «مداخلات بشردوستانه»، طی یک گزارش حدوداً ۹۰ صفحه‌ای منتشر نمود. کمیسیون برای عدول از اصطلاح مداخلات بشردوستانه سه دلیل عمده ذکر می‌کند که در جای خود قابل تأمل‌اند:

نخست آن که واژه حق اصولاً ناظر است بر امتیاز دولت مداخله‌گر، در حالی که مراد از مداخلات بشردوستانه حمایت از انسان‌هایی که حقوق اساسی آنها به طور گسترده در حال نقض است، ثانیاً مسئولیت حمایت اولاً و با لذات متوجه همه دولت‌های میزبان است و اصولاً مداخله‌ای در «مسئولیت حمایت» صورت نمی‌گیرد، ثالثاً مسئولیت حمایت منحصر به مداخله نیست بلکه قبل از آن مرحله شامل مسئولیت پیشگیری و پس از آن دربرگیرنده مسئولیت بازسازی نیز هست.^۴

جدای از دلایل کمیسیون شاید بتوان دلایل دیگری نیز آورد از جمله این که از سوی

۱. عنان، ۱۳۸۴، ۲۱۹-۲۱۷

2. International commission on Intervention and state sovereignty.

3. Responsibility to protect

۴. قربان‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۱۴۷

فعالان حقوق بشر و بشردوستانه، اصطلاح مداخلات بشردوستانه همواره مورد انتقاد بوده است و دیگر آن که استفاده از اصطلاح مداخلات بشردوستانه به دلیل سوء استفاده‌های فراوان از آن، همواره پیش قضاوت‌های منفی ای را به اذهان خطور می‌دهد. بنابراین شایسته همان بود تا تغییری در اصطلاحات رایج ایجاد گردد تا بتوان با نگاهی نو راجع به آن اظهار نمود. در این گزارش، اعضای کمیسیون با خلق سه مرحله اجرایی، پیشگیری، واکنش و بازسازی، در انجام «مسئولیت حمایت» به درستی مسئولیت پیشگیری اولویت و اهمیت خاص می‌بخشند و تأکید می‌کند. که انجام مسئولیت پیشگیری و واکنش، اعمال دارای اثر کمتر قهری و مداخله جویانه، پیش از اعمال دارای اثر بیشتر قهری و مداخله جویانه مورد ملاحظه قرار گیرند.^۱

۲. ارکان مسئولیت حمایت

دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارشی تحت عنوان «اجرای مسئولیت حمایت» در ۱۲ ژانویه ۲۰۰۹ قایل بر آن شد که راهبرد عملیاتی کردن مسئولیت حمایت باید بر سه رکن استوار باشد:

۲-۱. مسئولیت‌های حمایتی دولت:

«ستون اول عبارت است از مسئولیت دولت برای حفاظت از مردم چه اتباع کشور و چه دیگران، در برابر نسل‌زدایی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی، جنایات علیه بشریت یا تحریک موارد فوق». بان کی مون معتقد است عبارت «ما این مسئولیت را می‌پذیریم و مطابق آن عمل می‌کنیم»، مبنای مسئولیت حمایت است. همان‌گونه که در تعریف ستون اول آورده شده است، مسئولیت حمایت به چهار جنایت:

(۱) نسل‌زدایی (۲) جنایت علیه بشریت (۳) پاک‌سازی قومی و (۴) جنایات جنگی جنگی محدود شده است.

اگر چه مسئولیت حمایت در ابتدای طرح آن در سال ۲۰۰۱ با دستور العمل کلی تر امنیت انسانی پیوند خورده بود، اما در سند اجلاس سران و در راستای رفع دغدغه‌های کشورهای در حال توسعه به موارد فوق محدود شد که به واقع «عملیاتی شدن» این مفهوم را نیز تسهیل می‌کند. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی پیش از این جرائم بین‌المللی مذکور به استثنای پاکسازی قومی را شناسایی کرده و با بیش از صد دولت امضا کننده، در سال ۲۰۰۲

1. The Responsibility to protect, 2001, 10

اجرای شده است. تبدیل مسئولیت حمایت به هنجار تثبیت شده بین‌المللی گام دیگری در راستای محدود شدن حاکمیت دولتی به نفع حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. مبحث پیشگیری و پاسخ‌گویی مقامات دولتی در قبال جرائم فوق را می‌توان مهم‌ترین نکته مسئولیت حمایت دانست. طراحان مسئولیت حمایت در پی برجسته‌سازی تمایز مسئولیت حمایت و مداخله بشردوستانه هستند و تأکید می‌کنند که در بافت معنایی مسئولیت حمایت به مسئله «پیشگیری» تأکید شده و مداخله نظامی تنها به عنوان «آخرین حربه» مطرح است. برای نیل به پیشگیری از جرائم فوق‌الذکر می‌بایست حاکمیتی مسئول ایجاد شده و بر این مسئله تأکید شود که تعهدات حقوقی عرفی و معاهده‌ای دولت‌ها آنها را به پیشگیری و مجازات نسل‌زدایی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت موظف می‌کند و مسئولیت دولت از همین تعهدات ناشی می‌شود. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، حاکمیت مسئول پتانسیل شمول مسائلی نظیر احترام به حقوق بشر را در برمی‌گیرد. در این معنا، از بین بردن زمینه بروز جرائمی نظیر نسل‌زدایی و جنایات جنگی باید در دستور کار دولت‌ها قرار گیرد.

۲-۲. کمک‌های بین‌المللی و ظرفیت‌سازی:

بان کی مون در گزارش خود به چهار شکل از کمک‌های بین‌المللی مطابق مفاد بندهای ۱۳۸ و ۱۳۹ سند اجلاس سران سال ۲۰۰۵ اشاره کرده است:

الف- ترغیب دولت‌ها به انجام مسئولیت‌های ستون اول (بند ۱۳۸).

ب- یاری رساندن به دولت‌ها در اجرای این مسئولیت (بند ۱۳۸).

پ- یاری رساندن به دولت‌ها در ظرفیت‌سازی برای حمایت (بند ۱۳۹).

ت- یاری رساندن به دولت‌هایی که در آستانه وقوع بحران و مناقشه هستند (بند ۱۳۹). در

گزارش دبیر کل به موارد زیر به عنوان مصداق‌های کمک بین‌المللی اشاره شده است:

برنامه‌های ترویج و تقویت حقوق بشر، بازسازی و تحکیم صلح پس از مناقشه، صلح‌بانی و استقرار پیشگیرانه نیروها بر مبنای رضایت دولت میزبان یا اطراف مناقشه، کمک‌های توسعه‌ای و تقویت حکومت قانون.

۲-۳. پاسخ قاطع و به موقع:

شاید بتوان مناقشه برانگیزترین وجه مسئولیت حمایت را ستون سوم آن دانست. بان کی مون با

عنایت به مفاد بند ۱۳۹ سند اجلاس سران ۲۰۰۵ به بهره‌گیری از تدابیر صلح‌آمیز و غیر صلح‌آمیز در پاسخ به وضعیتی که مقامات دولتی به وضوح در حمایت از مردم خود ناکام باشند، اشاره کرده است. او در این زمینه معتقد است که آستانه پاسخ تحت ستون سوم از آستانه تلاش‌های پیشگیرانه و ظرفیت سازانه تحت ستون دوم بالاتر است. بان کی مون در این زمینه صریحاً بیان می‌دارد که «بند ۱۳۹» سند اجلاس سران نمایانگر این حقیقت است که هیچ استراتژی مسئولیت‌حمایت بدون احتمال تدابیر جمعی از جمله تحریم‌ها یا اقدام نظامی در موارد نهایی، کامل نخواهد بود. بنابراین، از نظر دبیر کل ملل متحد، شورای امنیت، نهاد تصمیم‌گیرنده در خصوص پاسخ قاطع و به موقع خواهد بود و در این زمینه حتی به پنج قدرت دارای حق و تو توصیه می‌کند که از حق و تو برای جلوگیری از پاسخ قاطع و به موقع استفاده نکنند.

۳. توسعه حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در پرتو دکترین «مسئولیت حمایت»

۳-۱. نقش اجرایی دکترین مسئولیت‌حمایت در توسعه حقوق بین‌الملل بشر دوستانه

ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو مقرر می‌دارد دولت‌ها متعهد می‌شوند که «رعایت کنوانسیون حاضر را مورد تضمین قرار دهند». همین مطلب در پروتکل الحاقی اول در رابطه با رعایت مفاد این پروتکل تکرار شده است. پروتکل الحاقی اول به علاوه مقرر می‌دارد که در صورت نقض جدی این پروتکل، دولت‌های دیگر تعهد می‌نمایند که منفرداً یا متفقاً در چهارچوب منشور سازمان ملل متحد با این سازمان همکاری نمایند.^۱ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ابتدا در تفسیر خود بر ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و پس از آن مکرراً اعلام کرده است که تعهد به «تضمین رعایت حقوق» صرفاً به رفتار طرفین درگیر در مناصمه محدود نمی‌باشد بلکه این الزام را نیز شامل می‌گردد که دولت‌ها باید همه توان خود را برای تضمین رعایت جهانی حقوق بین‌المللی بشر دوستانه به کار بندند.^۲ تفسیری که تعهدات موضوع ماده ۱ مشترک را فراتر از الزام طرف‌های درگیر در مناصمه داشته است از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه‌ای که در سال ۱۹۹۰ به تصویب رسید، مورد تأیید قرار گرفته است. بدین مضمون که قطعنامه مذکور از دولت‌های عضو کنوانسیون چهارم ژنو می‌خواهد تا

1. Henckaerts and doswald-beck, 2008, 720

2. Picket, 1960, 18

الزام اسرائیل را به رعایت تعهداتش بر طبق ماده ۱ کنوانسیون مورد تضمین قرار دهند.^۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد چندین قطعنامه را بدین منظور و در ارتباط با همان مخاصمه تصویب کرده است.^۲ سازمان‌های بین‌المللی دیگر خصوصاً شورای اروپا، ناتو، سازمان وحدت آفریقا (سابق) و سازمان دولت‌های امریکایی به همان نحو از دولت‌های عضو خواسته‌اند که رعایت حقوق بین‌المللی بشر دوستانه را مورد تضمین قرار دهند کنفرانس‌های بین‌المللی نیز به همان نحو از دولت‌ها خواسته‌اند که رعایت حقوق بین‌الملل بشر دوستانه را مورد تضمین قرار دهند. در سال ۱۹۶۸، کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر در تهران قطعنامه‌ای را مورد تصویب قرار داد که در آن تصریح شده بود که «دولت‌های عضو کنوانسیون‌های ژنو، حتی اگر خودشان هم مستقیماً درگیر در مخاصمه مسلحانه نبوده باشند، گاهی اوقات نتوانسته‌اند به مسئولیت خود نسبت به اقدام جهت تضمین رعایت قواعد بشر دوستانه در تمامی اوضاع و احوال از سوی دولت‌های دیگر عمل نمایند». در بیانیه نهایی که از سوی کنفرانس بین‌المللی حمایت از قربانیان جنگ در سال ۱۹۹۳ صادر گردید، شرکت‌کنندگان متعهد شدند که «با سازمان ملل متحد و بر طبق منشور آن سازمان در جهت پیروی کامل از حقوق بین‌المللی بشر دوستانه در وقایع نسل‌زدایی و دیگر موارد نقض جدی این حقوق همکاری نمایند» و مسئولیت خود را «بر طبق ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو در خصوص رعایت و تضمین رعایت حقوق بین‌الملل بشر دوستانه به منظور حمایت از قربانیان جنگ» مورد تأکید قرار دارند. ایشان همچنین از دولت‌ها خواستند تا همه تلاش خود را برای «تضمین اثر بخشی حقوق بین‌المللی بشر دوستانه به کار بندند و مطابق با مقررات این حقوق، علیه دولت‌هایی که مسئول نقض حقوق بین‌المللی بشر دوستانه هستند با هدف پایان دادن به این تلفات اقدام قاطع اتخاذ کنند». اخیراً، کنفرانس طرف‌های معظم متعهد کنوانسیون چهارم ژنو در سال ۲۰۰۱ از طرح‌های ابتکاری فردی و جمعی دولت‌ها با هدف تضمین رعایت مفاد این کنوانسیون استقبال کرده و آن را مورد تشویق قرار داد. رویه نشان می‌دهد که تعهد دولت‌های ثالث در خصوص تضمین حقوق بین‌المللی بشر دوستانه محدود به اجرای مقررات معاهداتی ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و ماده (۱) پروتکل اول الحاقی نمی‌باشد. به عنوان مثال درخواست‌های کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در رابطه با درگیری‌های رودزیا زیمباوه در سال

1. 20- sc/681

۲. A/۳۲/۹۱، A/۳۷/۱۲۳، A/۳۸/۲۸۰ و A/۴۳/۲۱

۱۹۷۹ و جنگ ایران و عراق در سال‌های ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ مشتمل بر درخواست‌هایی مبنی بر تضمین رعایت قواعدی بود که در کنوانسیون‌های ژنو یافت نمی‌شد بلکه در پروتکل‌های اخلاقی (بمباران مناطق غیرنظامی و حملات کورکورانه) آمده بودند و دولت‌هایی که ادعا می‌شد مراتب این گونه موارد نقض می‌شدند. عضو پروتکل‌ها نبودند. قابل توجه است که این درخواست‌ها در حالی خطاب به جامعه بین‌المللی صورت می‌گرفت، که هیچ دولتی بدان‌ها اعتراض نکرده و دولت‌هایی که عضو پروتکل‌های الحاقی نبودند از آن حمایت می‌کردند.^۱ در خصوص تعهد ایجابی که در خصوص وظیفه تضمین رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه تحمیل می‌گردد، این توافق وجود دارد که همه دولت‌ها حق دارند الزام به رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه را از سوی دولت‌های درگیر در هر نوع مخاصمه ای خواستار گردند. شعبه رسیدگی کننده دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در احکام خود در قضیه فوروندژیجا^۲ در سال ۱۹۹۸ و کوپر سکیچ^۳ در سال ۲۰۰۰ اظهار داشت که معیارهای حقوق بین‌المللی بشردوستانه، قواعد عام‌الشمول جهانی - Ergaomnes هستند و بنابراین کلیه دولت‌ها در رعایت این قوانین از «منافع قانونی» برخوردارند و در نتیجه حق داشتند که رعایت آن را خواستار شوند.^۴ رویه دولت‌ها نشان می‌دهند، استفاده گسترده از (۱) اعتراض دیپلماتیک و (۲) اقدامات جمعی است که از طریق آن دولت‌ها حتی المقدور از نفوذ خود برای متوقف ساختن نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه استفاده می‌کنند.

۱. اعتراض دیپلماتیک: دولت‌ها به طور گسترده ای به ویژه در دو دهه اخیر به نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه از سوی دولت‌های دیگر اعتراض خود را ابراز داشته‌اند. این اعتراضات به هر دو زمینه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی مربوط می‌شود. این اعتراضات محدود به نقض کنوانسیون‌های ژنو نبوده و اغلب مربوط به درگیری‌هایی هستند که دولت‌ها معترض با آن ارتباط خاصی ندارند. این اعتراضات دیپلماتیک دوجانبه در مجامع بین‌المللی یا از طریق قطعنامه‌های سازمان بین‌المللی ابراز گردیده‌اند. این اعتراضات معمولاً طرف‌های مختلف را مستقیماً هدف قرار می‌دهند. این دسته از اعتراضات به ویژه به وظیفه دولت‌ها بر طبق ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو در خصوص تضمین رعایت حقوق

1. Hechaerts and Doswald- Beck , 2008,721-722
2. Furun dzjia
3. Kuperskic case
4. icty Kuperskic case

بین‌المللی بشردوستانه اشاره می‌کنند. از این حیث، این رویه در محدوده قواعد مختلفی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته اند، دسته بندی شده است.

۲. اقدام جمعی، صرفنظر از قطعنامه‌های صادره از سوی نهادهای بین‌المللی، اقدامات جمعی دولت‌ها در راستای تلاش برای «تضمین رعایت» حقوق در قالب برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی در خصوص وضعیت‌های خاص، رسیدگی به موارد نقض احتمالی، ایجاد دادگاه‌های کیفری به صورت موردی، ایجاد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اعمال تحریم‌های بین‌المللی و اعزام نیروهای حافظ صلح یا مجری صلح صورت می‌پذیرد. این رویه در سراسر این بررسی در رابطه با هر قاعده فهرست شده است. باید همچنین توجه داشت که تعهد دولت‌ها به ایجاد صلاحیت قضایی جهانی نسبت به موارد نقض جرمی و تعهد ایشان در خصوص رسیدگی به آن دسته از جنایات جنگی که در حوزه صلاحیت قضایی ایشان واقع می‌گردد و در صورت اقتضا پیگرد مظنونین نشان می‌دهد که چگونه حقوق بین‌المللی بشردوستانه می‌تواند از طریق اقدام دولت‌های ثالث به اجرا گذارده شود. سرانجام باید توجه داشت که نه قصد تدوین کنندگان پیش نویس ماده ۱ مشترک کنونسیون‌های ژنو و نه رویه جاری پس از آن تا کنون بر این مبنا نبوده که تعهد به تضمین رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه را به عنوان یگانه مبنای توسل به زور توجیه نماید. بنابراین انتظار می‌رود که اقدامات صورت گرفته جهت تضمین رعایت مقررات، و رأی آنچه که در تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل متحد متبلور می‌گردد، صرفاً صلح آمیز باشد. پروتکل الحاقی اول مقرر می‌دارد که در صورت نقض جدی پروتکل، دولت‌های عضو متعهد هستند که منفرداً یا متفقاً و در همکاری با سازمان ملل متحد بر طبق منشور آن سازمان اقدام نمایند.^۱ با اشاره به مطابقت با منشور سازمان ملل متحد، پروتکل این موضوع را روشن می‌کند که دولت‌ها نمی‌توانند به صورتی که منشور آن را غیرمجاز شمرده از اعمال زور برای تضمین رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه استفاده کنند. همین استدلال در مورد ماده ۳۱ پروتکل دوم کنوانسیون برای حمایت از اموال فرهنگی که مفاد مشابهی را دربر دارد، صدق می‌کند.

۱. پروتکل الحاقی ۱، ماده ۸۹

۲-۳. بررسی نقش «دکترین مسئولیت حمایت» در اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه با تاکید بر قطعنامه ۱۹۷۳ لیبی

در این قسمت به بررسی نقش برخی از اقدامات اجرایی «دکترین مسئولیت حمایت» و قطعنامه‌های شورای امنیت و مشخصاً قطعنامه ۱۹۷۳ در خصوص لیبی در حوزه حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌پردازیم.

قطعنامه ۱۹۷۳ در مورد لیبی در سال ۲۰۱۱ تصویب گردید این قطعنامه در دو مورد اقدام نظامی را تجویز نموده است. مورد اول برای حمایت از غیر نظامیان و مورد دوم در جهت ایجاد منطقه ممنوعه پروازی بر فراز لیبی. مورد دیگری وجود دارد که اقدام نظامی به صراحت تجویز نشده، بلکه شورا تضمین تحریم تسلیحاتی را از طریق محاصره دریایی خواستار شده است.

۱-۲-۳. حمایت از غیر نظامیان

کلیدی‌ترین و مهم‌ترین بخش قطعنامه مبحث مربوط به تجویز توسل به زور برای حمایت از غیر نظامیان می‌باشد. در این خصوص بند ۴ قطعنامه مقرر می‌دارد:

«به کشورهای عضو... اجازه می‌دهد که کلیه اقدامات لازم را، با رعایت بند ۶ قطعنامه ۱۹۷۰، برای حمایت از غیر نظامیان و مناطق مسکونی غیر نظامی از جمله شهر بنغازی که زیر حمله نظامی یا در معرض تهدید حمله نظامی در جماهیر عربی لیبی هستند به عمل آورند. مشروط بر این که هیچ بخشی از سرزمین لیبی به هیچ شکل به اشغال نیروی خارجی در نیاید.^۱ بررسی رویه شورای امنیت آشکار می‌سازد که در قطعنامه‌های شورا در قضایای قبلی از اصطلاح «توسل به زور»^۲ که در ماده ۴۲ منشور آمده است استفاده نشده است، بلکه عبارات اتخاذ «کلیه ابزارهای لازم»^۳ یا اتخاذ «کلیه اقدامات لازم»^۴ به کار رفته است. به طور مثال، در قطعنامه ۶۷۸ شورا^۵، در خصوص بحران کویت در سال ۱۹۹۰ عبارت «کلیه ابزارهای لازم» به کار رفته بود. در عمل اعضای شورای امنیت پذیرفته اند که عبارات جایگزین اخیر شامل توسل به زور نیز می‌باشد. بنابراین، بند ۴ قطعنامه ۱۹۷۳ با درج عبارت «کلیه اقدامات لازم»

^۱. طباطبایی، ۱۳۸۹، ۱۸۹.

2. Use of force
3. All necessary means
4. All necessary measures
5. SC Resolution 678(29 november 1990)

مجوز توسل به زور را صادر نموده است.^۱

۲-۳-۱. ایجاد منطقه ممنوعه پروازی

ابتکار ایجاد چنین منطقه ای را می توان از جمله نقش های اجرایی f2p در حفاظت از حقوق بین الملل بشردوستانه دانست. منطقه ممنوعه پروازی قبل از لیبی فقط در منازعات قومی بالکان در سال ۱۹۹۳ توسط قطعنامه شماره ۸۱۶ شورای امنیت^۲ بر فراز بوسنی هرزگوین ایجاد گردید تا مانع پروازهای نیروهای صرب بر فراز بوسنی هرزگوین گردد. ایجاد منطقه ممنوعه پروازی در عراق پس از شکست این کشور در جنگ با متحدان و قیام مردم عراق علیه رژیم صدام در سال ۱۹۹۱ توسط کشورهای غربی، خارج از مفاد قطعنامه ۶۸۸ بود و در این قطعنامه هیچ اشاره ای به اقدامات نظامی از جمله منطقه ممنوعه پروازی نشده بود. هر چند تفسیر موسع بند ۴ قطعنامه در خصوص حمایت از غیرنظامیان، اعمال منطقه ممنوعه پروازی را نیز قابل توجه می نماید. با توجه به اهمیت موضوع و این که درخواست برخی از کشورها بر ایجاد این منطقه متمرکز بود، شورا بخش مستقلی را در قطعنامه (بندهای ۱۲ الی ۱۶) به این امر اختصاص داده است. بند ۶ اعلام می دارد که «در جهت حمایت از غیر نظامیان، شورا مصمم به ایجاد منطقه ممنوعه کلیه پروازها در آسمان لیبی می باشد». قطعنامه، پروازهای صرفا انسان دوستانه را از قبیل ارسال یا تسهیل ارسال کمک های غذایی، دارویی و انتقال متصدیان کمک های انسان دوستانه و مساعدت های مربوطه را استثنا می سازد. هم چنین پروازهایی که اتباع خارجی را از لیبی خارج می سازند و یا پروازهایی که دولت های عمل کننده ضروری می دانند از ممنوعیت استثنا شده اند. (بند ۷ قطعنامه). شورای امنیت از کشورها یا سازمان های مجری قطعنامه می خواهد که با اتخاذ کلیه اقدامات لازم ممنوعیت پروازی وضع شده در بندهای ۶ و ۷ قطعنامه را تضمین نمایند. شورا از کشورهایی که با اتحادیه عرب در این خصوص همکاری می کنند می خواهد که در اقداماتی که اتخاذ می نمایند از جمله در تاسیس مکانیسم مناسب برای اجرای بندهای ۶ و ۷ با دبیر کل هماهنگی نزدیک داشته باشند (بند ۸ قطعنامه). در نهایت بند ۶ قطعنامه از کلیه کشورهای عضو که به صورت انفرادی و یا از طریق نهادها و ترتیبات منطقه ای اقدام می کنند می خواهد که مساعدت های لازم از جمله موافقت با پروازهای مورد نیاز بر فراز سرزمین خود را برای اجرای بندهای ۴، ۶، ۷ و ۸ قطعنامه صادر نمایند. مفهوم منطقه ممنوعه پروازی این

۱. طباطبایی، ۱۳۸۹، ۱۹۰.

2. SCR Resolution(march 31 1993)

است که هواپیماهای لیبی حق پرواز در آسمان لیبی را نخواهند داشت. در صورت نقض این ممنوعیت توسط لیبی، نیروهای ائتلاف مجاز به رهگیری و در صورت لزوم سرنگونی هواپیماها می‌باشد. برای تضمین امنیت پرواز هواپیماهای ائتلاف، پدافند هوایی لیبی نیز می‌تواند مورد حمله قرار گیرد. در قضیه منطقه ممنوعه پروازی در عراق نیروهای غربی متناوبا با سایت‌های ضد هوایی عراق را مورد هدف قرار دادند. بدیهی است که حقوق مخاصمات مسلحانه از جمله اصل تناسب و عدم حمله به مناطق و اهداف غیر نظامی در اعمال منطقه ممنوعه پروازی حاکم خواهد بود.^۱ به عبارت دیگر، کشورها و یا سازمان‌های مجری قطعنامه از جمله ناتو، موظف به رعایت حقوق جنگ خصوصا قراردادهای ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل ضمیمه ۱۹۷۷ می‌باشند.

۳-۳. دامنه عملیات

دامنه اقدامات نظامی به منظور کمک به غیرنظامیان یکی از چالش‌های قطعنامه می‌باشد. سوالات متعددی در خصوص ابعاد و مصادیق حمایت از غیرنظامیان ذکر شده در بند ۴ وجود دارد. امکان حضور فیزیکی نیروهای خارجی در خاک لیبی، مسلح نمودن مبارزان لیبیایی و این که آیا سرنگونی قذافی می‌تواند بر اساس قطعنامه قابل توجیه باشد لز جمله این سوالات می‌باشد.

۱-۳-۳. سرنگونی قذافی

موضوع حساس در خصوص اهداف عملیات مساله موجودیت رژیم قذافی بود. در قطعنامه اشاره ای به این موضوع شده است و هدف اصلی اقدامات حمایت از مردم لیبی در برابر حملات نیروهای قذافی اعلام شده است. با تفسیر منطقی مفاد قطعنامه نمی‌توان سرنگونی مستقیم رژیم لیبی را توجیه نمود. هرچند اکثر مقامات غربی اعلام نموده‌اند که هدف عملیات سرنگونی معمر قذافی نمی‌باشد، اما اظهاراتی وجود دارد که به طور ضمنی تمایل به این امر وجود دارد. اوپاما و کلیتون بعد از شروع عملیات اعلام نمودند که قذافی باید برود. هیلاری کلیتون در نشست مطبوعاتی مشترک با وزیر خارجه ایتالیا اعلام نمود که قذافی مشروعیت خود را از دست داده و باید برود. از طرفی اعلام شده که سرنگونی قذافی هدف عملیات نمی‌باشد. برای حل این تعارض می‌توان چنین تحلیل نمود که غرب تمایل به سرنگونی

دارد، اما رسماً نمی‌خواهد اعلام نماید و تمایل دارد با حملات خود هم زمینه را برای پیشروی مخالفان فراهم نماید و از طرفی فشارهای ناشی از عملیات‌های نظامی، قذافی را وادار به به واگذاری حکومت نماید. پیش‌بینی می‌گردد، اگر مخالفان موفق به تغییر رژیم نشده بودند، غرب یکی از دو گزینه را انتخاب می‌نمود، یا هدف عملیات را به سمت سرنگونی قذافی هدایت می‌نمود؛ و یا به دنبال روش‌های سیاسی برای حل بحران می‌بود. به هر حال به موازات تهاجم نظامی ابتکارات سیاسی از جمله تلاش اتحادیه آفریقا و سفر رئیس جمهوری آفریقای جنوبی به لیبی و ارایه نقش راه برای حل بحران پیگیری می‌شود.^۱

۲-۳-۳. مسلح نمودن انقلابیون

سوال دیگر این است که آیا مسلح نمودن مبارزان بر ضد رژیم لیبی را می‌توان بر اساس قطعنامه توجیه نمود و از مصادیق حمایت از مردم لیبی به شمار آورد؟ نیروهای ائتلاف از امکان مجهز نمودن مبارزان لیبیایی سخن گفته‌اند. اوپاما این احتمال را رد نکرده است؛ هر چند وزیر خارجه فرانسه این عمل را خارج از چارچوب قطعنامه دانسته و ناتو نیز با آن مخالفت نموده است. در حال حاضر، در این خصوص بین کشورهای عضو ائتلاف اختلاف نظر وجود دارد، اما در آینده امکان تحقق این امر وجود دارد. در تحلیل حقوقی نمی‌توان با قاطعیت مسلح نمودن مبارزان را مغایر با قطعنامه دانست و تفسیر موسع بند ۴ می‌تواند این امر را توجیه نماید.^۲

۳-۳-۳. حضور نیروهای خارجی در خاک لیبی

مبارزان لیبی و بسیاری از کشورها مخالف حضور نیروهای خارجی در لیبی بودند. عدم حضور نیروها به صراحت در بند ۴ قطعنامه تاکید شده بود. نماینده لبنان در جلسه شورای امنیت تاکید نمود که قطعنامه منجر به اشغال حتی یک اینچ از خاک لیبی نخواهد شد (گزارش جلسه ۶۴۹۸ شورای امنیت). تجربه حضور نظامی آمریکا در افغانستان و عراق در خصوص مشکلات عدیده و تلفات نیروهای آمریکا، عدم تمایل آمریکا به حضور فیزیکی در لیبی را حداقل در مقطع کنونی توجیه می‌نمود. اوپاما اعلام نمود که قصد ندارد نیروهای زمینی در لیبی مستقر نماید و از حالت دفاعی فراتر نخواهند رفت. اگر چه قطعنامه اشغال خاک لیبی را منع نموده، ولی آیا

۱. طباطبایی، ۱۹۵، ۱۳۸۹.

حضور کوتاه مدت نیروهای خارجی برای انجام مأموریت نظامی ضروری برای حمایت از مردم لیبی مصداق اشغال مذکور در قطعنامه می‌باشد؟

۴-۳-۴. امکان برقراری آتش بس

یکی از ابهامات حایز اهمیت قطعنامه عدم شفاف سازی بین بند اول قطعنامه در خصوص درخواست ایجاد آتش بس و بندهای دیگر قطعنامه در خصوص حمایت از غیرنظامیان و ایجاد منطقه ممنوعه پروازی می‌باشد. به عبارت دیگر، اگر لیبی قبل از شروع عملیات با استناد به بند اول قطعنامه آتش بس را می‌پذیرفت و اجرا می‌نمود، آیا اقدام نظامی مجاز بود؟ در مرحله بعد از شروع عملیات اگر رژیم لیبی درخواست آتش بس نماید، آیا باید پذیرفته شود و کدام نهاد باید در این خصوص تصمیم‌گیری نماید، شورای امنیت یا نیروهای ائتلاف؟

قبل از آغاز عملیات، موسی کوساوزیر خارجه لیبی اعلام نمود که در راستای قطعنامه آتش بس را می‌پذیرد. در حاشیه نشست پاریس، در ۱۹ مارس، بان کی مون دبیر کل سازمان ملل اعلام نمود:

«دیشب نخست وزیر لیبی در تماس تلفنی گفت که آنها کاملاً قطعنامه ۱۹۷۳ را می‌پذیرند. او از من درخواست نمود برای متوقف ساختن اقدام نظامی از جانب جامعه بین‌المللی مداخله نمایم... او درخواست نمود که تیمی برای نظارت بر آتش بس تشکیل گردد. ادعای لیبی باید راستی آزمایی گردد.»

۴. نقش نهادهای منطقه ای

در فصل هشتم منشور نقش ترتیبات منطقه ای در حل و فصل اختلافات بین‌المللی تبیین گردیده است. ماده ۵۲ در این فصل به نقش قراردادهای یا موسسات منطقه ای در امور مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که متناسب برای اقدامات منطقه ای باشد تاکید می‌نماید. اما اتخاذ اقدامات اجرایی تحت فصل هفتم منشور از جمله توسل به زور باید با تفویض یا مجوز شورای امنیت باشد. بند اول ماده ۵۳ منشور مقرر می‌دارد:

«شورای امنیت در موارد مقتضی از چنین قراردادهای یا موسسات منطقه ای برای

عملیات اجرایی تحت اختیار خود استفاده خواهد کرد. ولی هیچ گونه عملیات اجرایی به موجب قراردادهای منطقه ای توسط موسسات منطقه ای بدون اجازه شورای امنیت صورت نخواهد گرفت.»

در راستای مقررات فصل هشتم منشور، شورای امنیت در اجرای اقدامات اتخاذ شده بر اساس فصل هفتم از جمله در قضیه لیبی، نقش موسسات منطقه ای توجه داشته است. درخواست شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب از شورای امنیت برای ایجاد منطقه ممنوعه پروازی بر فراز لیبی در کسب حد نصاب لازم برای تصویب قطعنامه ۱۹۷۳ بی تاثیر نبود. خانم کلیتون وزیر خارجه امریکا در مصاحبه مطبوعاتی پس از نشست پاریس، بیانیه‌های اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس در درخواست از سازمان ملل در ایجاد منطقه ممنوعه پروازی را تاریخی خواند.^۱ یکی از ویژگی‌های قطعنامه تاکید بر نقش نهادهای منطقه ای خصوصا اتحادیه عرب می‌باشد. شورای امنیت برای اولین بار در خصوص تجویز اقدام نظامی به صراحت جایگاه اتحادیه عرب در اجرای قطعنامه و مکانیسم گزارش عملیات را یادآوری می‌نماید. بند ۵ قطعنامه مقرر می‌دارد:

«با اذعان به نقش مهم اتحادیه عرب در امور مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در منطقه، و با یادآوری فصل هشتم منشور ملل متحد، از کشورهای عضو اتحادیه عرب درخواست می‌نماید در اجرای بند ۴ قطعنامه با دیگر کشورها همکاری نماید. علاوه بر نقش اتحادیه عرب در اجرای تصمیمات شورا، نقش‌های جانبی دیگری نیز در قطعنامه از جمله در نحوه اطلاع رسانی و هماهنگی سازی بین نیروهای عمل کننده پیش بینی گردیده است. در کلیه نشست‌های رسمی در خصوص لیبی اتحادیه عرب حضور فعال داشته است.»

۵. جرم انگاری نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه

حقوق بین‌الملل که تعهدات بین‌المللی متعددی را برای حمایت از افراد در نظر می‌گیرد، تعهداتی را هم از افراد می‌خواهد در واقع، در نظام حقوقی بین‌المللی موقعیت‌هایی هست که مسئولیت «فرد» به طور مستقیم مطرح می‌شود. این مسئولیت فردی، امکان محاکمه و مجازات افرادی را فراهم می‌کند که از قواعد این نظام حقوقی تخلف می‌کنند. حقوق بین‌الملل بشر

1. www.state.gov/secretary.htm

دوستانه یکی از زمینه‌های اصلی طرح این نوع مسئولیت فردی در حقوق بین‌الملل است و این حقوق نه فقط دولت‌ها بلکه افراد را هم متعهد اجرای آن می‌کند به سخن دیگر هر فرد را به تنهایی مسئولیت رعایت مقررات می‌داند. با ملاحظه ممنوعیت مقابله به مثل در حقوق بین‌الملل بشردوستانه که اقتضای رعایت آن را به طور مطلق یعنی در همه حال و بدون شرط عمل متقابل دارد، کیفر دادن کسانی که از قواعد بشردوستانه تخلف می‌کنند، ضرورتی انکار پذیر به نظر می‌آید.^۱ برای اجرای مؤثر این قواعد لازم است تا هر فردی که به نحوی در مخاصمه مسلحانه شرکت می‌کند، این قواعد و خصوصیات آن را بشناسد و بداند که تخلف از آن مسئولیت کیفری در پی خواهد داشت.^۲ به قول یکی از حقوق‌دانان، مفهوم مسئولیت فردی موجب می‌شود تا هر فرد درگیر در مخاصمه مسلحانه آگاه به مسئولیت خود بار بیاید، مسئولیت از اعمالی که مشخصاً خودش انجام می‌دهد.^۳

بنابراین، حقوق بین‌الملل بشردوستانه در کنار قواعد نظارت و کنترل مربوط به دولت‌ها، برای اجرای مؤثر این حقوق، قاعده ای کلی را وضع می‌کند که طبق آن هر فرد مرتکب تخلفات از مقررات بشردوستانه مسئول آن تخلف است و مستوجب مجازات که حکم آن را حسب مورد دادگاهی ملی یا مرجع قضایی بین‌المللی اعلام می‌کند.^۴ بر همین اساس، روند تحولات به گونه ای پیش رفت که مفهوم کیفری و لوازم و آثار حقوقی آن در مورد مخاصمات مسلحانه داخلی هم پذیرفته شد. یعنی تخلف از حقوق بشردوستانه در مخاصمات داخلی نیز «جنایات جنگی» به حساب آمد و در سطح بین‌المللی موضوع تعقیب و محاکمه افرادی که در مخاصمات داخلی مرتکب جنایات جنگی شده اند، به صورتی بی‌سابقه و گسترده مطرح شد. تا جایی که بی سزا ماندن اعمال کسانی که به طور منظم و برنامه دار مرتکب نقض شدید حقوق بشردوستانه در مخاصمات داخلی شده اند، تهدیدی بر صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شد و شورای امنیت را به صحنه اجرای حقوق بشردوستانه وارد کرد. این تحول از آن جهت ژرف و مهم است که تا همین سال‌های اخیر مسئولیت کیفری از نقض مقررات بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی اساساً نفی می‌شد و فرض بر این بود که حقوق بین‌الملل چنین مسئولیتی را نمی‌شناسد. این تحول نشان داد که سکوت متن معاهدات در این زمینه به خودی

1. Nahlik, 1984, 42
2. wolfurn, 1995, 524
3. weckel, 1993, 23
4. Ca sse, 1998, 4

خود نافی مسئولیت کیفری نمی‌توانست باشد و تخلف شدید از حقوق بشردوستانه در مخاصمات داخلی نیز می‌بایست «جنایات جنگی» محسوب شده و عاملان آن به لحاظ بین‌المللی تحت تعقیب قرار بگیرند.

نتیجه‌گیری

با توجه به پیشینه ناموفق مداخله بشردوستانه که نقطه اوج آن را در حوادث دهه ۹۰ میلادی شاهد هستیم و یکسان عمل نکردن کشورها در موارد مشابه و توأم نمودن اغراض سیاسی و منافع ملی کشورها در مداخلات خود، جهان در آستانه قرن بیستم آماده پذیرش یک مکانیسم جدید در چهارچوب منشور ملل متحد برای امنیت دسته جمعی شده بود که با پیشنهاد دبیرکل وقت سازمان ملل متحد آقای کوفی عنان به تدریج به سمت عملیاتی شدن گام برداشت. دبیرکل با پیشنهاد دکترین مسئولیت حمایت در گزارش توسعه هزاره خویش در سال ۲۰۰۱ جهانیان را به نظر به فکر واداشت که اصولاً حاکمیت نمی‌تواند سپر جنایات گسترده علیه بشریت مشترک ما باشد و از تمام دولت‌ها خواست که نقض گسترده حقوق بشردوستانه را به منزله ورود خسارت به تمام مجموعه ملل متحد بدانند و در واکنش و جبران نمودن این معضل عمده بشریت همت بگمارند. سند نهایی نشست سران جهان در سال ۲۰۰۵، به تدریج اندیشه اجرایی کردن این دکترین را در سر می‌پروراند، که سه بعد اجرایی را به علاوه مداخله نظامی پیشنهاد کرد. که در مهم‌ترین بعد این مسئولیت یعنی مسئولیت پیشگیری، دولت‌ها می‌بایست تمام تلاش‌های خویش را در جهت ریشه‌یابی علل و عوامل بروز جنگ‌ها و وقایع خشونت بار به کار بندند تا از بروز آنها جلوگیری نمایند. در بعد بعدی یعنی مسئولیت واکنش همه دولت‌ها یا به عبارتی فرد فرد دولت‌ها می‌بایست به طرق متنوع از جمله تحریم‌های مالی، اقتصادی، نظامی، تحریم رؤسای دولت‌ها به نقض قواعد بشردوستانه واکنش نشان دهند و در صورتی که جامعه بین‌المللی نتوانست با چنین ابرازی از رخ دادن تراژدی مخاصمه داخلی جلوگیری به عمل آورد مسئله مداخله نظامی شورای امنیت سازمان ملل در قالب فصل هفتم منشور به میان می‌آید و در آخرین مرحله پس از وقوع مداخله نظامی اینک جامعه بین‌المللی می‌بایست به ترمیم و توسعه ساختارهای درهم شکسته آن جامعه پردازد. آن چه در این پروسه اهمیت دارد این است که مسئولیت اولیه حمایت از شهروندان یک جامعه با دولت همان کشور است و در صورت عدم تمایل ناتوانی آن دولت این مسئولیت به اجتماع بین‌المللی محول می‌گردد. اجرای مکانیسم مداخله نظامی می‌بایست در شرایط خاص و تنها به

عنوان آخرین ابزار توسل جسته شود. ساز و کاری که اجتماع بین‌المللی برای اجرای ابعادی که برشمردیم در دست دارد بنا به تصریح بندهای ۱۳۸ و ۱۳۹ سند نهایی نشست سران جهان، ابتدا شورای امنیت و مطابق با فصول ۶ و ۸ و فصل ۷ آن می‌باشد و در صورت توی اعضای آن به اعتقاد برخی از حقوقدانان هر دولتی به تنهایی می‌تواند برای اعاده صلح و امنیت بین‌المللی اقدام کند. یکی از مکانیسم‌های فوق‌العاده سوادمند در اجرای دکترین مسئولیت حمایت مکانیسم استفاده از ظرفیت‌های فصل ۸ منشور یعنی ترتیبات منطقه‌ای مثل سازمان ناتو، اکواز، اتحادیه اروپا، اتحادیه آفریقا، آ. س. ه. آن و تمامی ابزارهای منطقه‌ای به منظور تسهیل و حل منازعات است. تحولاتی که این دکترین که ریشه در قواعد و مقررات کیفری بین‌المللی دارد را بررسی کردیم. که به تدریج با محور قرار گرفتن بشر در بیشتر حوزه‌های حقوق بین‌الملل دیگر حقوق بین‌الملل حاکمیت محور به سمت بشر محور شدن گام برداشت در نتیجه با مطرح شدن اصل مسئولیت کیفری در نتیجه مطرح شدن نظارت بر اجرای حقوق بشردوستانه و نیز بحث جنایات جنگی به مثابه‌ی جنایات علیه بشریت و لزوم جرم‌انگاری آنها به خصوص در مخاصمات داخلی گام بسیار مهمی در تحولات حقوق بشردوستانه بوده است. صلاحیت جهانی دادگاه‌های بین‌المللی در تعقیب و محاکمه افراد خاطی در نتیجه نقض قواعد و مقررات بشردوستانه و هم‌چنین مجازات آنها بدون توجه به تابعیت و محل وقوع جرم و تلاش برای مدون کردن این مقررات در حقیقت در راستای عملیاتی کردن ماده کنواکسیون‌های ژنو و ماده ۸۹ پروتکل الحاقی دوم برای تلاش‌های دولت‌ها چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی در جهت اجرا و تضمین اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه در قالب مسئولیت حمایت است در اینجا ابتکار کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های این نهاد در جهت حمایت از قربانیان مخاصماتو نیز تشکیل کمیسیون تحقیق از تأثیر قواعد بشردوستانه و اقدامات جمعی دولت‌ها (اجرای تئوری مسئولیت حمایت) و نقش این دکترین در اجرای قواعد بشردوستانه می‌باشد

منابع

- ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین، حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی برای کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷.
- سواری، حسین و حسینی بلوچی، مهدی، «نظریه مسئولیت حمایت از حرف تا عمل»، فصلنامه حقوق و سیاست، بهار ۱۳۹۰، شماره ۳۲، صص ۱۷۶-۲۰۶.
- طباطبایی، احمد، «شورای امنیت و مداخله نظامی در لیبی: حمایت از غیر نظامیان و ایجاد منطقه ممنوعه پروازی»، فصلنامه حقوق خصوصی، بهار و تابستان ۱۳۸۹، شماره ۱۶، صص ۱۸۵-۲۰۶.
- عنان، کوفی، «با آزادی بیشتر: به سوی توسعه، امنیت و حقوق بشری برای همه»، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، ۱۳۸۴، انتشارات ایثاری، صص ۲۱۹-۲۱۷.
- قربان نیا، ناصر، «مداخله بشردوستانه از منظر اخلاق»، مجله نامه مفید، ۱۳۸۲، شماره ۳۷، صص ۱۴۷.
- عرب اسدی، شمیم، «مسئولیت حمایت در چارچوب امنیت دسته جمعی»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل، ۱۳۸۹، ص ۴۶، دانشگاه تهران.
- سیمبر، رضا و قربانی، وحید، «کاربست دکترین مسئولیت حمایت در بحران لیبی»، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۳۹۱، شماره اول، صص ۸۳-۹۹.
- جباری، منصور و حاضر وظیفه قره باغ، جلیل، «ارزیابی دکترین مسئولیت حمایت در بحران دارفور سودان» فصلنامه راهبرد، ۱۳۹۰، شماره ۵۸، صص ۲۱۷-۲۴۱.
- وکیل، امیر ساعد و عسکری، پورییا (ترجمه)، «جهان امن تر: مسئولیت مشترک ما»، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، ۱۳۸۴، صص ۲۴۹-۲۶۰.
- Malanezuk, *Humanitarian Intervention*, In Bull, ed, *Intervention in world Politics*, 1984, p7.
- Henkin, Louis, *Kosovo And the Law of Humanitarain Intervention* Ajil, 1999, V. 93, No4, p1.

Schachter, International Law In Theory And Practice , 1991,p123.

Chandlr, David, The Responsibility to protect? Imposing the Liberal peace, Peace keeping, Vol. 11, No. 1, spring2004,p574.

The Responsibility to protect, *Report of the international commission on Intervention And state sovereignty (ICISS)*, International Development Research center, 2001,p10.

International Commison on Intervention And state sovereignty The Responsibility to protect, at VIII (2001) Available at : www.Iciss.Ca/report-en.asp.

Bellamy, Alex, *whither the Responsibility to protect? Humanitarian Intervention And the 2005 world summit* , 20 E thics. 143 (2006), Available at : www.cceia.Org/resources/journal.

Secretary- General KofiA. Annana Millenium Report And Annan Report on the work of Un Documents. A(54/1 (2000), At 488 para 37, Availabe At : [www.UN.org\(2000\)](http://www.UN.org(2000)).

Bellamy, Alexj(2008), *Responsibility to protect And the problem of military Intervention*" thics & International Affairs, Vol. 89, PP.615-639.

Mattews, Maxw (2008), *"Tracking The Emergence of And Intervention Norm* : the Responsibility To protect And crisis In Darfur Boston College International & comparative Law Review, Vol.31 PP136-152.

Corten Olivier et klein Pierre, *"Droit d'ingerence ou obligation de reaction non armee"*, Revaebelge dedroit international, Vol. XXIII, 1990-2,p369.

Stahn, Carsten, *Responsibility to protect : Political Rhetorc or Emerging Legal Norm*, The Amerian Journal of International Law, Vol. 101, No, 1, 2007,p107.

Schmitt, Michael N., "Wings over Libya: The No-Fly Zone in Legal. (2011),p55.

Mack, Andrew, "the Concept of Human security" Promting security but haw And for whom Bonn International center for conversion : BICC, October 2004,p475.

Heckaerts, Jean- Marie And Doswald- Beck, Louise,2008, Majd publications,pp720-722.

Sandoz, Ives, *commentary on The Additional protocols*, ICRC Geneva, 1987, S4442,p325.

Condorelli , *La commission internationale d'etablissement des faits* : un outil obsolete ou moyen utile de oerver du droit interne humanitaire RIRC, Juin 2001.

J. Garcia- pena, *Humaitarian Protection In Non- International Confilcts* : A case study of Columbia, Israel year book on Human Rights, vol . 30, 2000.

S.E. Nahlik, "Precis abrege de droit International humanitaire Extraits de la RICR, juillet aout 1984,p42.

P.weckel. L intuition un tr ibunal poula repression de crimes de droit humunitaire en Yongos lavie, AFDI, 1993,p23.

A. Cassese, on the current trends towards criminal prosecution And punishment of Breaches of Internatinonal Humanitarian Law Ejjl, 1998,p4.

D. Plattner , La repression panal edes violations du droitinternational humanitaire Applicable Aux conficts Arms non internationaux RIRc, 1990,pp448-449.

T. Meron, war crimes in Yugoslavia And The Development of International law, AJIL, 1994,p80.

T. Meron, the normotive impact on International law of the International Tribunal for former Yugoslavia, the Hugue, 1996,p214.

UN Document, *S/1994/ 674*, para42 Available At: (www. UN. Org 1994)

UN Documen,s/*1993/25704* , para 47 Available At : (www. UN.org 1993).

M.Bothe, war crimes In Non- International Armed Conflict, 1987,p294.

meindersma, violations of common article 3 of the geneva conventions as violations of the laws or custums of war under article 3 of the statute of the ICTY,NILR,1995,p389.

L.Kama"Le Tribunal penal international pourle Rwandu et la repression descimes deguerre,1999,p258.

C.Greenwood , International Humanitarian law and the tadic case,EJIL,1996,pp280-281.

WWW.IcRC.org

Bettuti , *L'inyerence Au nom de la subsidiarite* , aide humunitaire international,E conomica,paris , 1996,p775.

M.Griffin,"*Ending Theimpunity of prepetators of human rights atrocities*:Amajor challenge for international law in The zist centry,RICR,Jun 2000,pp371-372.

P.M.Dupuy,*Droit international public,precis* Dalloz,Paris 1998,p617.

K.Annan ,*Eviter la guerre,preveenir les catastrophes*:Lemonde mis Audefi,Rappot annud surlactivite de l'orgasation 1999,para62.

Y.kerbrut ,*La reference au chapitre VII de lu chartedes Nations unies* dansLes resolutions a caractere humanitaire du conseil de securite, paris1995,pp86-87.

J.C.oBrien ,The International Tribanal for violations of Interntional Humanitaran lawin The formery Yugos laviu ,AJIL ,1993,p658.

I.P. Blishchenko, *Responsabilite en cased violationsdu droit International humaitarie*, Les dimensions internationaux du droit humanitaire, 2002,pp339-340.

Evans,Gareth,*Russia,Georiga And The Responsibility To Protect*,Amesterdam law Forum,Vol 1,No2,2009,pp154-168.

Shinoda,Hieaki,2000,Re-Examining Sovereignty:From Classical Theory to the Global Age,New York:st Martns press,p200.

Hurd,Ian,Legitimacy And Authority in international politics,international organization,no2,1999,p404.

M.Hammer Leonard,*Afoucauldian Approach to International law*,Burlington:Ashgate Publishing company,2007.

Thakur,Ramesh,*The united Nation,peace and Security London*:Cambridge university press,2006,p247.

H.Kooper Richard And Juliette vionov,*The Responsibility To Protect*;The new global Moral compact,2006.

Commission On Human Security new york:united nation publication,2003.(chs)

www.HumanSecurity.chs.org(Available:27 Des 2008)

www.Crisisgroup.org/home/index/cfm(Available:jurney 2009)

United Nations General Assembly, 2005 Summit Outcome, September2005,
paras 138 -139.

Report of Secretary General 2009, Implementing the Responsibility to Protect.

Paras. 4, 10(a) and (d), 13 and 68, (A/63/677)